

## طنز های معلم و شاگرد

معلم: شش صورت فعل « زد » را بگو؟

شاگرد: زدم، زدی، دعوا شد

معلم: الفبای فارسی رو بگو ببینم.

شاگرد: الف - ب - پ - ت - ث - چهار - پنج - شش - هفت...

معلم: الفبای انگلیسی رو بگو ببینم.

شاگرد: ای - بی - سی - چهل - پنجاه - شصت - هفتاد...

معلم: الفبای یونانی رو بگو ببینم. شاگرد: آلفا - بتا - ستا - چهارتا - پنج تا ...

معلم: نخواستم بابا یه شعر بگو.

شاگرد: نابرده رنج گنج - پنج - شش - هفت...

معلم: بگو ببینم فرق برق آسمان و برق منزل چیست؟

شاگرد: آقا اجازه برق آسمان مجانی است ولی برق منزل پولی است.

معلم: «اگر حمید ۵ تا مداد داشته باشد و ۳ تای آن را به رضا بدهد، چند تا مداد برایش می ماند؟»

شاگرد: «آقا اجازه! ما حمید را نمی شناسیم و کاری هم به کارش نداریم.»

معلم: «دو تا حیوان دو زیست نام ببر.»

شاگرد: «قورباغه و برادرش.»

جلال: سعید، چرا معلم شما این قدر به تخته سیاه می زند؟

سعید: خوب معلوم است! برای این که ما دانش آموزان چشم نخوریم!

معلم: «بگو ببینم! سیب زمینی از کجا پیدا شد؟»

شاگرد: «از زمانی که اولین سیب از درخت به زمین افتاد.»

معلم: «مریم! اگر هم شاگردی ات، سارا، هزار تومان به تو بدهد و

دوباره پانصد تومان دیگر هم بدهد، در مجموع چه قدر پول خواهی داشت؟»

در همین موقع سارا با عصبانیت می گوید: «اجازه! ببخشید، از کیسه خلیفه می بخشید؟!»

معلم: «چرا این قدر دیر به مدرسه آمدی؟»

شاگرد: «آقا اجازه! من داشتم خواب یک مسابقه فوتبال می دیدم. چون بازی به وقت اضافه کشید،

ناچار شدم خواب بمانم تا نتیجه آن معلوم شود.»

معلم: اگر تو ۲۰۰ تومن پول داشته باشی و برادرت ۵۰ تومن آن را بردارد، چه قدر پول برایت می ماند؟

شاگرد: «۳۰۰ تومن.»

معلم با عصبانیت: «۳۰۰ تومن؟!»

شاگرد: «چون آن قدر گریه می کنم تا پدرم ۱۵۰ تومان دیگر هم به من بدهد!»

معلم: «اگر مادرت به تو بگوید نصف پرتقال را می خواهی یا هشت شانزدهم، کدامش را انتخاب می کنی؟»

شاگرد: «نصف پرتقال را!»

معلم: «مگر نمی دانی نصف پرتقال با هشت شانزدهم پرتقال یکی است؟»

شاگرد: «چرا آقا! می دانیم، ولی پرتقالی که شانزده تکه شده باشد، قابل خوردن نیست.»

معلم: پنج تا حیوان درنده نام ببر

شاگرد: دو تا ببر ۳ تا شیر !!!

معلم: چرا روی رودخانه پل می زنند؟

شاگرد: برای اینکه وقتی باران می آید ماهی ها بروند زیرش و خیس نشوند.

معلم: فیل ها در کجاها پیدا می شوند؟

شاگرد: آقا اجازه، فیل ها اون قدر بزرگ هستند که اصلا گم نمی شوند !!!